



▲ در بانکداری خصوصی، انگیزه و رقابت حرف اول را می‌زنند.

در این مقاله، موضوع بانکداری خصوصی را در دو بخش نظری و تجربی مورد بررسی قرار داده‌ایم؛ بدین ترتیب که ابتدا در بخش نظری مباحث مربوط به نقش بانکداری خصوصی در رشد اقتصادی کشور را مطرح کرده‌ایم و در بخش دوم نیز به شرح تجربه ۲۵ ساله کشور در بانکداری خصوصی و مراحل گسترش آن در پنج دوره زمانی پرداخته‌ایم. در این شماره از مجله، بخش اول و قسمتی از بخش دوم این مقاله را ملاحظه می‌فرمایید.

بانک و اقتصاد

بانکداری خصوصی

نقش بانکداری خصوصی در رشد اقتصادی کشور

اقتصاددانان و جامعه‌شناسان در تعریف توسعه و رشد اختلاف نظرهای فراوانی دارند و برای هر یک از این دو مفهوم، تعاریف گوناگونی را ارائه کرده‌اند که بررسی آنها خارج از حدود این

مقاله است، لیکن همه در این نکته متفق‌القولند که توسعه با رشد فرق دارد. به عبارت دیگر، این اتفاق نظر وجود دارد که توسعه وسیع‌تر و عام‌تر است و رشد محدودتر و خاص‌تر.

در مورد رشد نیز باید گفته شود که رشد صحیح می‌بایست دارای دو خصوصیت باشد: از یک سو، رشد باید پایدار باشد و از طرف دیگر، مداوم، یعنی افزایش تولید و تکامل کیفی آن

نیاید متوقف شود. البته در صورت پیش آمدن جبری رکود یا بحران نباید متوحش شد و خود را باخت، بلکه باید در برابر آن پایداری کرد و بر آن پیروز شد.

در مورد عوامل موثر در رشد نیز تقریباً اتفاق نظر میان اقتصاددانان وجود دارد و چهار عامل: طبیعت، سرمایه، نیروی انسانی و تکنولوژی را عموماً جزو عوامل اساسی رشد

شناخته‌اند. از این عوامل، طبیعت نمی‌تواند مورد بحث ما باشد، لیکن بانکداری به طور اعم و بانکداری خصوصی همپای آن، می‌تواند نقش مؤثری در تأمین سه عامل دیگر داشته باشد، مستها نقش آن در تأمین سرمایه مستقیم‌تر و اساسی‌تر از تأمین دو عامل دیگر است. از این رو، بحث ما بیشتر پیرامون نقش بانکداری خصوصی در تأمین سرمایه و نگاهداری رشد مستمر و متعادل از این طریق خواهد بود.

۱- نقش بانکداری خصوصی در تأمین سرمایه از نظر تحرک و استمرار رشد اقتصادی

نقش بانک‌های خصوصی از این جهت، همانند بانک‌های دولتی یا هرگونه مؤسسه بانکی مانند صندوق‌های پس‌انداز و غیره است، با این تفاوت که اولاً، چون مبتنی بر سرمایه و مالکیت خصوصی است، می‌تواند ابتکار و فعالیتی بیشتر از بانک‌های دولتی از خود نشان دهد و علاوه بر این، می‌تواند قدرت تبلیغاتی و جلب مشتری بیشتری داشته باشد و راه‌های فعالیت جدیدی را بیابد و به کار بندد. ثانیاً، برخلاف مؤسسات بانکی تخصصی و صندوق‌های پس‌انداز، محدود به بعضی انواع فعالیت‌های بانکی نیست و می‌تواند در تمام جهات فعالیت داشته باشد. به عبارت دیگر، چون فعالیت بانکداری خصوصی بر اساس رقابت استوار است، لذا این امر اصولاً موجب تحرک بیشتر و ابتکارات بیشتری در جمع‌آوری سرمایه‌های راکد می‌شود. به نحوی که بانک‌ها کوشش می‌کنند تا اعماق اجتماع نفوذ کرده و شبکه خود را به دورافتاده‌ترین روستاها بکشانند و خفته‌ترین سرمایه‌ها را در راه رشد اقتصادی کشور به کار اندازند.

علاوه بر این، بانکداری خصوصی فقط سرمایه‌ساز نیست، بلکه سرمایه‌گذار نیز هست که یا به صورت مستقیم، یعنی مشارکت در کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و تقویت سرمایه آنها است، یا به صورت غیرمستقیم، یعنی از طریق دادن وام و اعتبار و فراهم آوردن وسایل مالی برای کسانی که بخواهند سرمایه‌گذاری کنند که در هر دو صورت به رشد و گسترش آنها کمک فراوانی خواهد کرد.

ویژگی دیگر بانکداری خصوصی، تشویق روحیه سرمایه‌گذاری و ابتکار در مردم است. در واقع، وجود چنین روحیه‌ای، یکی از عوامل

ذهنی مؤثر در رشد اقتصادی است و علمای اقتصاد یکی از مشخصات جامعه‌های عقب‌مانده را فقدان چنین روحیه‌ای می‌شمارند. بدین ترتیب، بانک‌های خصوصی، با ایجاد تسهیلات در به دست آوردن سرمایه و اعتبار از یک سو و یا کم و زیاد کردن خطر ورشکستگی از سوی دیگر، این روحیه را در مردم تلقین می‌کنند و در نتیجه، یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی را فراهم می‌سازند.

بانک‌های خصوصی با اعطای وام‌های متفرقه نیز به گسترش تقاضا و بازار مصرف محصولات داخلی کمک می‌کنند که خود کمک بزرگی به امر فروش محصولات و در نتیجه، تقویت سرمایه‌هایی است که آنها را تولید می‌کنند.

به علاوه، بانک‌های خصوصی با تسهیل معاملات ارزی، اعطای اعتبارات بازرگانی، کمک به افزایش واردات و صادرات نقش مفیدی را در رشد اقتصادی کشور ایفا می‌کنند.

● نقش بانکداری در تأمین سرمایه، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در رشد، ابتکارناپذیر است.

۲- نقش بانک‌های خصوصی در تأمین سرمایه از نظر تعادل رشد

بانک‌های خصوصی همچنان می‌توانند در تعادل رشد اقتصادی از طریق تأمین سرمایه و هدایت سرمایه‌گذاری در جهت مناسب نقش موثری داشته باشند. البته این امر، معمولاً تحت نظارت یا هدایت بانک مرکزی صورت می‌گیرد، ولی باید انتظار داشت که بانک‌های خصوصی در اجرای صحیح این برنامه‌ها، همکاری مؤثری داشته باشند.

۳- نقش بانکداری خصوصی در تأمین رشد از طریق آمادگی نیروی انسانی

در این زمینه با آن که امکانات بانک‌های خصوصی از جهت عینی بسیار ضعیف است، اما از جهت ذهنی می‌تواند مؤثر باشد. گرچه بانک‌های خصوصی برای افزایش نیروی انسانی کارآمد یا تعلیم و تربیت آن کار مهمی نمی‌توانند انجام دهند، لیکن با کمک به جلوگیری از تورم و تثبیت قیمت‌ها و تأمین زندگی طبقات کم‌درآمد به وسیله تشویق پس‌انداز و انجام خدمات مصرفی، می‌توانند گام‌های کم یا بیش مؤثری را

در جهت بالا بردن سطح زندگی عمومی و ایجاد یک روحیه سالم در طبقات زحمتکش بردارند و از این طریق خدمتی گرچه اندک، به رشد اقتصادی کشور انجام دهند.

۴- نقش بانک‌های خصوصی در تأمین رشد از طریق تکنولوژی

در این زمینه نقش بانک‌های خصوصی نسبتاً محدودتر از نقش آنها در زمینه تأمین سرمایه است. با وجود این، چون بانک‌های خصوصی در بسیاری از صنایع و مؤسسات اقتصادی مشارکت دارند یا به آنها وام و اعتبار می‌دهند، لازم است که بازده این صنایع و مؤسسات بالا باشد و رشد آنها به طور مستمر تأمین شود و این امر به صورت عمده از طریق بهبود سازمان و تکنولوژی آنها میسر می‌شود.

شایان ذکر است که بانک‌های خصوصی در محیط فعالیت اقتصادی و مالی بین‌المللی هم وارد می‌باشند و به خوبی می‌توانند بهترین و مناسب‌ترین سازمان و تکنولوژی را برای مشتریان خود فراهم آورند و از طرف دیگر، با نفوذ مالی خود به آسانی می‌توانند این تکنولوژی و شکل سازمانی را به مدیران بقبولانند و در نتیجه، بهترین رشد را برای این مؤسسات تأمین کنند.

تجربه بانکداری خصوصی در ایران

نخستین گام‌هایی که در راه پیدایش بانکداری خصوصی برداشته شد، مربوط به اواخر دهه بیست است.

در واقع، قبل از سال ۱۳۲۸ بانک خصوصی در ایران وجود نداشت و بانک ملی ایران، به اضافه بانک سپه و چند بانک تخصصی دولتی و چند بانک خارجی دیگر که مهمترین آنها بانک شاهنشاهی بود، مجموعه دستگاه بانکی کشور را تشکیل می‌دادند. در آن دوران، بانک‌های خارجی، که بازمانده دوران استعمار بودند و هم‌چنین بانک‌های تخصصی که حدود فعالیتشان کاملاً محدود و مشخص بود، فعالیت بانکی عام و کاملی نداشتند و این فعالیت تقریباً در انحصار بانک ملی ایران و بانک سپه بود. بنابراین، به علت محدود بودن فعالیت این دو بانک، کارهای مالی سرمایه‌های داخلی در قسمت اعظم به طور شخصی یا به عبارت دیگر، به صورت رباخواری و نزول‌خواری صورت می‌گرفت و قسمت محدودی نیز توسط

نتایج پس زیان بخشی را به بار می آورد. این دوره را می توان مرحله جوانی بانکداری خصوصی نامید.

۵- از سال ۱۳۵۰ به بعد راه هم می توان مرحله استقرار و استحکام بانکداری خصوصی در اقتصاد کشور نامید که به تدریج نقایص مرتفع می شود و نظام بانکداری خصوصی در جهت واقعی خود قرار می گیرد و سرانجام، به توقف و تعطیل های پس از پیروزی انقلاب اسلامی می انجامد.

اینک، مختصری درباره هر یک از مراحل فوق و نقشی که بانک های خصوصی ایفا کرده اند، توضیح داده می شود.

الف - مرحله اول پیش از سال ۱۳۳۳:
تأسیس و تشکیل بانک های خصوصی در این مرحله به گونه ای خود انگیخته بود و مقررات خاصی برای نظارت و تنظیم عملیات بانکی وجود نداشت. در این دوره، بانک ها طبق قانون ثبت شرکت ها تأسیس می شدند و از نظر حقوقی تابع قانون تجارت بودند. گرچه وجود بانک ملی ایران طبق قانون اجازه تأسیس بانک ملی و اساسنامه قانونی آن و مقررات دیگر تا حدودی فعالیت آنها را محدود می کرد، لیکن ضابطه دقیق و مشخص قانونی برای نظارت بانک ها و هدایت عملیات آنها در جهت برنامه اقتصادی کشور وجود نداشت. ضرورت سپرده قانونی بانک ها و مؤسسات اعتباری در نزد بانک ملی ایران از سال ۱۳۲۵، یعنی بلافاصله پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و هنگامی که برای نخستین بار نژوم یک برنامه هفت ساله اقتصادی مطرح می شد، مورد بحث قرار گرفته و در سال ۱۳۲۸ به صورت تصویب نامه هیأت وزیران اصلاح و تقویت شده بود، لیکن ضابطه دقیقی نداشت و در ترازنامه بانک ها هم تحت عنوان حساب مخصوص نزد بانک ملی ایران ذکر می شد.

در حقیقت، بانک های خصوصی هنوز قدرت مالی قابل ملاحظه ای نداشتند. سرمایه بیشتر آنها از ۲۰ میلیون ریال تجاوز نمی کرد و بانک ها حکم صرافی هایی را داشتند، منتها با ابعادی بزرگتر و با سازمانی جدیدتر. حدود عملیات آنها نیز عبارت بود از قبول سپرده ها به صورت حساب جاری یا ثابت، ولی هنوز حق افتتاح حساب پس انداز را نداشتند که قانوناً از امتیازات بانک ملی ایران بود، ولی به طور کلی، در حدود قانون تجارت هرگونه عملیات مجاز را می توانستند انجام دهند، لیکن با بودن بانک غول پیکر و نیرومندی مانند بانک ملی ایران،

شمار می رفت و طبعاً انحلال آن خلایی را ایجاد می کرد که می بایست توسط بانک های خصوصی ایرانی پر شود. ضمناً باید توجه داشت که گسترش جنبش و احساسات میهن پرستانه در سال های پس از جنگ جهانی دوم که با رهایی آذربایجان از اشغال نیروهای خارجی و ملی

● نخستین اسبجریه بانکداری خصوصی در ایران به سال های بعد از ۱۳۲۸ شمسی برمی گردد.

کردن صنعت نفت و شیلات به اوج خود رسیده بود، به عنوان عامل روحی و ذهنی در قوت گرفتن این پدیده تأثیر فراوان داشتند.

درباره مراحل گسترش بانکداری خصوصی در ایران یادآوری می کند که در دوران نسبتاً کوتاهی از زندگی بانکداری خصوصی ایران، پنج مرحله تقریباً متمایز زیر را می توان تشخیص داد:
۱- دوران قبل از سال ۱۳۳۲ که آن را می توان مرحله تولد بانکداری خصوصی تلقی کرد.

۲- فاصله بین سال های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸ مرحله کودکی بانکداری خصوصی است و علایم آن رشد سریع، بی تناسب و بدون نقشه و نظارت متمرکز و آگاهانه است.

۳- از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دوره بحران و رکود شدید و مرحله بیماری بانکداری خصوصی است که در طی آن ضربات توانفرسای بحران

● بانکداری خصوصی چون پر سرمایه و مالکیت خصوصی مبتنی است، لذا نمی توانسد بیشتر از بانک های دولتی ابتکار و فعالیت داشته باشد.

اقتصادی را تحمل می کند و کم یا بیش ابدیده از بوته آزمایش بیرون می آید. البته هر بانکی به نسبت قدرت سازمانی خود با وضع و حال معلوم و مشخص به خود این بحران را می گذراند.

۴- از ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۹ دوره خودسازی و رشد سریع و کم یا بیش نظارت شده بانک های خصوصی است و در عین حال، حساوی رقابت های غیرمعمول میان آنهاست که اگر نظارت و هدایت بانک مرکزی ایران نمی بود،

صرافی ها انجام می یافت. نتیجه مستقیم این وضع نیز کمبایی سرمایه و بالا بودن نرخ بهره و تنزیل بود.

با وجود این، به دست آوردن وام برای کارهای ساختمانی یا تولیدی، بسیار دشوار و مشروط به شرایط سنگین بود و در نتیجه، کندی گردش سرمایه در اقتصاد کشور به شدت احساس می شد. علاوه بر این، قسمت اعظم سرمایه های خصوصی کشور پراکنده و به صورت راكد بی استفاده می ماندند و مؤسسات تولیدی، صنعتی، کشاورزی و بازرگانی که به سرمایه های بزرگ و متوسط نیاز داشتند، نه آن را می یافتند و نه در صورت یافتن، می توانستند نرخ سنگین بهره را تحمل کنند. بدین ترتیب، فعالیت این مؤسسات غالباً به سرمایه گذاری مستقیم، یعنی سرمایه صاحبان سهام آنها محدود می شد و روشن است که این وضع مانعی بزرگ در راه رشد و توسعه اقتصادی کشور به شمار می رفت.

از سوی دیگر، شرایط داخلی و خارجی به صورت حادی ضرورت رشد و توسعه اقتصادی کشور را ایجاب می کرد. در آن سال ها، ناامنی زمان جنگ و مداخلات استعماری بیگانگان پایان یافته بود و ضمن ایجاد ثبات و تمرکز سیاسی، درهای روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای صنعتی باز شده بود و چرخ های اقتصاد کشور از نو به گردش درآمده بود. در همین هنگام، برنامه عمرانی هفت ساله ای آغاز شد و دولت می کوشید تا براساس برنامه مزبور تحرک گسترده ای را در اقتصاد کشور ایجاد کند. نوسازی و گسترش صنایع کشور نیز یک امر حیاتی بود و می بایست به هر قیمت سرمایه های لازم برای آن فراهم آید. درست در همین هنگام کشور بر اثر

شرایط سیاسی خاص از عایدات نفت نیز به طور موقت محروم شد. تمام این شرایط ایجاب می کرد که سرمایه های خصوصی کشور از صورت پراکنده و راكد خارج شود و در پرتو تجمع، تمرکز و تراکم به گردش درآید تا چرخ های اقتصاد کشور را سریع تر بگرداند. ابزار این کار هم می توانست شبکه بانک های خصوصی باشد. بدین ترتیب، بانکداری خصوصی پدید آمد.

شایان یادآوری است که البته انحلال بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۲۸ نیز در این امر بی تأثیر نبوده است، چه این بانک بیگانه که روزگاری بانک ناشر اسکناس و همه کاره در ایران بود، تا هنگام انحلال، مهمترین بانک غیردولتی ایران به

ابعاد فعالیت آنها ناچیز بود.

رویه‌رفته، در این دوره پنج بانک تأسیس شدند: بانک بازرگانی در ۱۳۲۸ و بانک‌های صادرات، تهران، پارس، بیمه بازرگانان در ۱۳۳۱ که از این تعداد بانک بیمه بازرگانان در سال ۱۳۵۲ منحل شد.

ب - مرحله دوم از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸: در این مرحله، شرایطی به وجود آمد که رشد سریع بانکداری خصوصی را پدیدار می‌کرد. از یک سو، در پایان مرحله اول و پیرو تأسیس پنج بانک خصوصی فوق، بانک‌های اصناف، اعتبارات، ایران و انگلیس، کار، تجارت خارجی، ایرانیان و ایران و خاورمیانه، بین‌المللی ایران و ژاپن، تجارتی ایران و هلند، توسعه صنعتی و معدنی، ایران و غرب و اقتصادی ایران تشکیل شدند و با

گسترش احساسات مسیبن پرستانه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و ملی شدن صنعت نفت، از جمله عوامل روحی مؤثر در تأسیس بانک‌های خصوصی در کشورمان به شمار می‌روند.

این ترتیب، ضرورت وجود ضوابط خاصی برای این بانک‌ها و نظارت و راهنمایی آنها احساس شد و در سال ۱۳۳۲ هم قانون بانکداری به تصویب رسید. این قانون به بانک ملی حق نظارت بر بانک‌های خصوصی و سیستم بانکی را واگذار می‌کرد و وظایفی شبیه وظایف بانک مرکزی را برعهده بانک ملی می‌گذاشت. علاوه بر این، بانک‌های خصوصی را موظف می‌کرد که سپرده قانونی نزد بانک ملی بپردازند و دستورات آن را در حدود قانون رعایت کنند. برای این منظور نیز هیأتی به نام «هیأت نظارت بر بانک‌ها» در کنار بانک ملی به وجود آمد که همراه با «شورای عالی بانک ملی» و «هیأت نظارت بر اندوخته اسکناس» که طبق اساسنامه بانک ملی و قانون نشر اسکناس به وجود آمده بودند، بر سیستم بانکی نوزاد نظارت و حدود وظایف و فعالیت آن را در اقتصاد کشور تعیین می‌کرد و چگونگی روابط آن را با بانک ملی ایران مشخص می‌ساخت. در تکمیل این قانون، به سال ۱۳۳۴ لایحه قانونی بانکداری تنظیم شد و به تصویب رسید که حداقل سرمایه بانک‌های خصوصی یکصد میلیون ریال تعیین شده بود و به این

ترتیب، سیستم بانکی ایران تا حدودی تحت ضابطه درآمد، گرچه این ضوابط هم چندان کامل نبودند. از سوی دیگر، با استقرار ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور و تجدید فعالیت صنعت نفت و افزایش روزافزون درآمد ایران از این بابت، دوران رونق اقتصادی آغاز شده بود که طبعاً بر بانکداری خصوصی تأثیر گذاشت و گسترش سریعی را در فعالیت آن پدید آورد. ضمناً در سال ۱۳۳۶ با تصویب قانون «اصلاح تثبیت قانون پشتوانه اسکناس» نرخ گواهینامه در نرخ ارز ادغام شد و برابری دلار به ریال رسماً از ۳۲/۲۵ ریال، به ۷۵/۷۵ ریال تنزل یافت. این تنزل رسمی ارزش ریال موجب افزایش چشمگیر حجم پول شد و اثر انبساطی ارزش‌هایی را که به صورت درآمد نفت، وام یا کمک خارجی، آزاد شدن ارز پشتوانه یا از محل صادرات وارد کشور می‌شد، به طور سریعی افزایش داد. سیاست عمومی اقتصادی دولت در دوره برنامه هفت ساله دوم که مبنی بر اعطای اعتبارات آسان، فراوان و تقریباً بی‌ضابطه بود، دست به دست عوامل فوق داد و در این مرحله، یک دوره رونق اقتصادی سریع، ولی افسارگسیخته، همراه با انبساط فوق‌العاده پدید آورد که سرانجام به بحران وخیم سال ۱۳۳۹ و سال‌های بعد منجر شد.

اثر این اوضاع در سیستم بانکی ایران به طور اعم و در بانکداری خصوصی به طور اخص، یک دوره گسترش سریع، بی‌نقشه، افسارگسیخته و همراه با رقابت‌های زیانبخش بود که می‌توان آن را سرگیجه ناشی از موفقیت نامید. در این دوره، سپرده‌های دیداری بانک‌های خصوصی افزایش بی‌سابقه‌ای یافت و همراه آن، وام‌ها و اعتبارات بانک‌ها نیز به طور بی‌تناسبی بالا رفت و این بانک‌ها حجم معاملات و هزینه‌های خود را به حدی گسترش دادند که به هیچ روی با سرمایه و بنیه مالی آنها متناسب نبود و در نتیجه، هنگامی که در اواخر این مرحله بحران فرا رسید، ضربه توان فرسایی برای همه آنها بود و تقریباً همه غافلگیر شدند.

در این مرحله، از میان بانک‌هایی که تأسیس شده بودند، بانک اقتصادی ایران به علت مشکلات مدیریت منحل شد و اجازه بانک ایران و غرب به بانک دیگری واگذار گردید و بانک اصناف ایران نیز پس از آن که در سال ۱۳۵۱ تحت نظارت بانک مرکزی ایران قرار گرفت، به نام بانک ایرانشهر تغییر نام داد.

ادامه دارد



بانک توسعه صادرات ایران

آیا می‌دانید:

در سال ۱۳۷۸ از ۳۰

صادرکننده نمونه ۱۴

شرکت از مشتریان بانک

بوده‌اند؟

دفتر مرکزی:

تهران - خیابان خالد اسلامبولی - نبش کوچه بیست

و پنجم - شماره ۱۳۹ کدپستی ۱۵۱۳۹

صندوق پستی شماره ۵۹۶۴-۱۵۸۷۵

فکس: ۸۷۱۶۹۷۹

تلفن: ۸۷۲۵۱۴۰

سوپرفنت: EDBIIRTH

تلفن: EDBI IR ۲۲۶۸۹۵